

سنو هه

پزشک مخصوص فرعون

میکا والتاری

مترجم: وحیده شکری

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۸۰-۴-۶

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۹۵۶۱۱

عنوان و نام پدیدآور : سینه‌هه پزشک مخصوص فرعون/ میکا والتاری؛ مترجم وحیده شکری.

مشخصات نشر : گرگان: هفت سنگ، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری : ۴۰۰ص.

یادداشت : عنوان اصلی: Sinuhe the Egyption: a novel

موضوع : داستان‌های فلتاندی -- قرن ۲۰م.

رده بندی دیویی : ۸۹۴/۵۴۱۳۳

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ س۹ ۱۳۵۵/۲ PH

شابک : والتاری، میکا، ۱۹۷۹-۱۹۰۸م.

Waltari, Mika

نسخه افزوده : شکری، وحیده، مترجم

وضعیت فهرست نویسی : فیا



انشارات هفت سنگ

۰۹۱۱۱۷۰۲۳۷۷ گرگان-نصرآباد

۰۹۳۵۳۸۹۳۳۹۱ مقابل مسجد جامع

۰۹۳۶۹۶۶۲۷۵۴ انشارات هفت سنگ

نام کتاب / سینه‌هه پزشک مخصوص فرعون

مؤلف / میکا والتاری

مترجم / وحیده شکری

ناشر / هفت سنگ

تیراژ / ۵۰۰

چاپ / توحید

نوبت و تاریخ چاپ / اول / ۱۳۹۵

امور فنی / محمد صالح قربانی نصرآبادی

طراح جلد / محمد صالح قربانی نصرآبادی

شابک / ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۸۰-۴-۶

قیمت / ۲۲۰۰۰ تومان

مقدمه.

مصر یک داستان مری و بکر است که مجدداً گرد آوری شده است، از این رو غنی از رگه های تازه از سنانها و روایات قومی جذاب می باشد. به طور کلی این کتاب با یک برتری ادبی نوشته شده است که حتی می تواند چند رمان تاریخی معاصر را به رخ بکشد. مصر بیش از یک هزار سال قبل از میلاد مسیح قدمت دارد که در جهان نیز شناخته شده است و توسط سینوهه گفته شد و این داستان زندگی اش شد، از طریق چشم هایش شخصیت های بی حد و حصر می بیند که پوشش کامل پانوراما از جهان داستان است مانند (وقایع جنگ، فتنه، قتل، شورش، عشق و نزاع های مذهبی).

داستان مصر، یک عظمت واقعی است که به درستی حوره گسترده ای از داستان های اصیل و مهم می باشد و از یک سرعت روایت قدرتمند برخوردار است این پیروزی شگفت آور از تخیل خلاق سرچشمه می گیرد، نویسنده این کتاب، میکا والتاری، به طور قطع معروفترین نویسنده ی در قید حیات فنلاند می باشد.

***از زبان نویسنده:

من این کتاب را برای مدح و ستایش خدایان نمی نویسم، برای من که خسته از خدایان هستم و نه دلخوش به عظمت فراغه برای من که خسته از اعمال خود هستم نه از روی ترس و نه از روی هیچ امیدی به آینده بلکه برای خودم به تنهایی. آنقدر در زندگی از فراغه و مردم زجر کشیده ام که از همه چیز حتی امیداری به دست آوردن نام جاوید، سیرم.

من این کتاب را فقط برای اینکه خود را راضی کنم می نویسم و تصور می کنم که تنها نویسنده ای هستم که با وزن هیچ منظور مادی و معنوی دست به این کار زده ام، هرچه که تا به امروز نوشته ام یا برای خوش آمد گویی به خدایان و یا برای راضی کردن انسان بوده است.

من فراغه را جزء انسانها می دانم زیرا که با ما فرقی ندارند و من این موضوع را با ایمان و اعتقاد می گویم به دلیل اینکه من پزشک فرعون های مصر بودم از نزدیک روز و شب با آنها حشر و نشر داشتم و می دیدم که آنها از حیث ضعف و ترس و زبونی و احساسات قلبی مانند ما هستند حتی اگر یک فرعون را هزاران مرتبه بزرگ کنند و او را در شمار خدایان در آورند باز هم انسان است و مانند ما می باشد، آنچه که تا به امروز نوشته شده است به دست نویسندگانی تحریر گردید که مطیع امر سلاطین بوده اند و برای این که حقایق را دگرگون کنند اینها را می نوشتند.

من تا امروز کتابی را ندیده‌ام که در آن به حقیقت نوشته شده باشد، در کتاب‌ها خدایان و مردم را با تملق توصیف کرده‌اند، در این دنیا تا به امروز در هیچ کتاب و نوشته‌ای حقیقت وجود نداشته است و تصور می‌کنم که بعد از این هم درحقیقتی وجود نداشته باشد، ممکن است که لباس، زبان، آداب و رسوم و اعتقادات مردم عوض شود اما حماقت آنها عوض نمی‌شود و در تمام دوره‌ها می‌توان به وسیله گفته‌ها و نوشته‌های دروغ مردم را گول زد زیرا همانطور که مگس را دوست دارد، مردم هم دروغ، ریا و وعده‌های پوچ را که هرگز عملی نخواهد شد دوست می‌دارند.

آیا نمی‌بینید، دم‌چطور در میدان، اطراف نقال زنده پوش را که روی خاک نشسته اما حرور زرد و گوهر می‌زند و به مردم وعده گنج می‌دهند، به حرف‌های او گوش می‌دهند؟

ولی من که نامم (سینوهِ) می‌بازم از دروغ در این آخر عمر متفرم و به همین دلیل این کتاب را برای خود می‌نویسم تا دیگران، من نمی‌خواهم کسی کتاب مرا بخواند و تعریف کند، نمی‌خواهم کودکان در مدارس عبارات کتاب مرا روی تخته بنویسند و از روی آن مشق نمایند. من نمی‌خواهم که خردمندان در موقع صحبت از عبارات کتابم شواهدی بیاورند و بدین وسیله نام و دانش خود را به ثبات برسانند.

هر کس چیزی را می‌نویسد امیدوار است که دیگران بعد از او، کتابش را بخوانند و از او تعریف و تمجید کنند و نامش را فراموش نکنند به همین دلیل ایمان خود را زیر پا می‌گذارند و همرنگ جماعت می‌شوند و سخیف‌ترین و زشت‌ترین گفته‌ها را که خود نیز بدان معتقد نیستند می‌نویسند تا اینکه دیگران

آنها را تحسین و تشویق کنند ولی من چون نمی خواهم کسی کتابم را بخواند همرنگ جماعت نمی شوم و اوهام و خرافاتش را تجلیل نمی کنم.

من معتقدم که انسان تغییر نمی کند حتی یکصد هزار سال از عمر او بگذرد فرد را اگر در رودخانه بیندازید به محض اینکه لباسهای خشک شد همان می شود که بود. یک انسان را اگر گرفتار اندوه نمایید از کرده های گذشته پشیمان می شود ولی همین که اندوه او از بین رفت به وضع اول برمی گردد و همانطور خودخواه و بیرحم می شود، چون شکل و رنگ بعضی از اشیاء و کلمات اقوام تغییر می یابد و بعضی از غذاها و لباس های امروز متداول می شود که دیروز موجود نبوده است. من تصور می کنم که امروز غیر از دیروز است ولی می دانم چنین نیست و در آینده هم مانند امروز و مثل دیروز واقعیت را دوست نمی دارد، بنابراین نمی خواهم کسی کتاب مرا بخواند و تمایل دارم که در آینده گمنام باشم.

من این کتاب را برای این می نویسم که من دانم توانایی و دانش من مانند تیزاب قلب انسان را می خورد و اگر انسان دانا به من را به دیگری نگوید قلب او از بین می رود من نمی توانم دانایی ام را به کسی خوب و لذا آن را برای خویش می نویسم تا بدین وسیله خود را تسکین بدهم. من در مدت عمر خود چیزهای زیادی دیدم از جمله شاهد بودم که پسری مقابل چشم من پدرش را به قتل رساند.

در گذشته جای من در کاخ فرعون و در طرف راست او بود بزرگانی که صدها غلام داشتند برایم چابلوسی می کردند و هدایا می فرستادند و دارای گردنبند زر بودم. امروز در اینجا که که نقطه ای واقع در ساحل دریای مشرق است زندگی می کنم ولی ثروت من از بین نرفته و همچنان ثروتمند هستم و

غلامان دو دست را روی زانو می گذارند و مقابلم سر فرود می آورند، علت اینکه مرا از شهر طبس و مصر تبعید کرده اند و به اینجا فرستادند این است که من در زندگی همه چیز داشتم اما می خواستم چیزی بدست آورم که لازمه بدست آوردن آن اینست که انسان همه چیز را از دست بدهد.

من می خواستم که حقیقت حکمفرما شود و ریا، دروغ و ظاهر سازی از بین برود اما نمی دانستم حکمفرمایی حقیقت در زندگی انسان امری محال است و کسی نه مستگو باشد و با صداقت زندگی کند باید همه چیز را از دست بدهد پس من باید خیلی ریشمال باشم که هنوز ثروت خویش را حفظ کرده ام.

www.ketab.ir